

اصغر روشنی، زمانی به امیریه آمد که کمتر کسی حاضر بود در این محدوده زندگی کند

مهاجرت به «روستایی در شهر»



محله گردی

ایستگاه
اول



○ قبل از اینکه ساکن محله امیریه شوم، به خاطر ساخت و ساز به اینجا آمدم و در اولین پروژه با شریک یک بنای پنج طبقه ساختم. در آن زمان، نبود انشعابات آب و برق، کار ما را هم سخت می کرد، ولی حالا که از مقابل این ساختمان ها رد می شوم، یادآوری آن روزها برایم شیرین است.

بهشتی حدود بیست سال قبل، آوازه سرمایه گذاری در اراضی شمال غربی شهر را شنید و به دنبال خرید زمین راهی این محدوده از شهر شد. همین اقدام اقتصادی باعث شد در این محدوده صاحب خانه شود و ۱۰ سال بعدتر، از سیدی راهی محله امیریه شد. اصغر روشنی در روزگاری که کسی حاضر نبود در انتهای محله امیریه زندگی کند، خانواده اش را قانع کرد تا برای سکونت در این نقطه از شهر با او همراه شوند. او حالا در ابتدای ششمین دهه از زندگی اش، خاطرات بسیاری از این محله دارد و به اعتقاد اولین ساکنان محله، اصغر آقا و چند سازنده دیگر، سنگ بنای سکونت رادر محله امیریه گذاشتند.

ایستگاه
دوم

○ خانه اول ما در محله امیریه در کاظمیه ۱۵ بود. ما حدود ۱۰ سال قبل در این ساختمان زندگی می کردیم که خاطرات خوشی برای ما داشت و اولین روابط دوستی و همسایگی ما با بسیاری از اهالی قدیمی آغاز شد.



ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

○ این جایی که الان یکی از درهای هنرستان کشاورزی شهید یوسفی است، یک مغازه بود که فقط محصولات خود هنرستان را می فروخت؛ از شیر تازه گاوتاصیفی جات. محصولات با کیفیتی بود که نظیرش در مرکز شهر هم پیدا نمی شد. پنج سال قبل تعطیل شد و کنارش مدرسه جدید ایجاد شد.



ایستگاه
پنجم



○ در ابتدای سکونتمان هیئتی با نام بقیه... (عج) در محله راه اندازی کردیم. حالا این هیئت ۱۰ ساله شده است و در محرم، کل ساختمان و پارکینگ را به مراسم هیئت و پذیرایی اختصاص می دهیم و استقبال خوبی هم می شود.

ایستگاه
ششم

○ بالاینکه کوچه مادر نقشه های شهری بن بست بود، چون بناهای ته کوچه ساخته نشده بود، ماشین ها از مسیر خاکی کوچه رفت و آمد می کردند. من هم برای اینکه مسیر بسته شود، چند درخت چنار، توت و صنوبر گرفتم و اینجا کاشتم و تا همین الان آبیاری شان می کنم.

○ اولین سال هایی که در اینجا زندگی می کردیم تا ۱۰ کوچه بالا و پایین تر فقط سه ساختمان داشتیم که از بزرگراه میثاق دیده می شد. یک بار مهمان دعوت کردیم؛ یکی از مهمان ها گفت اینجا روستایی در شهر است.

